

## درباره معماری ایران

### باتکمله‌ای درباره زلزله‌خیز

هوشنگ سیحون (متولد ۱۳۹۹ شمسی در طهران) از کودکی با ذغال و مداد و قلم بطراحی پرداخت و بقول خودش « درو دیوار خانه‌اش پر بود از نقاشی‌هایش » شوق به هنر او را به شاگردی بهزاد کشانید. پس از مینیاتور نوبه رنگ و روغن و آب و رنگ رسید و سپس دوران تحصیلات عالی که وارد رشته معماری دانشکده هنرهای زیبای شد و با عنوان مهندس از آن جا فارغ گردید. دعوتی ازدولت فرانسه رسید و مهندس جوان عازم مدرسه عالی هنرهای زیبای پاریس شد و در آن مکتب مانند شاگردان جدی تحصیلاتش را از سر گرفت بعد به ایران باز گشت تا بنای آرامگاه ابن‌سینا را در همدان آغاز کند. اخیراً مهندس سیحون به ریاست دانشکده هنرهای زیبا انتخاب شد و علاوه بر تدریس، عمده وقتش صرفی کارهای این دانشکده میشود.

از بناهای معرف سبک مخصوص سیحون عموماً مردم آثاری مانند آرامگاههای ابن‌سینا (همدان) - نادر (مشهد) خیام (نیشابور) و ساختمان ناتمام مجلس شورای ملی را میشناسند. اما خوبست که اهالی طهران نگاهی هم به بناهای دیگر او مانند اداره مرکزی برق (میدان ژاله) و پست فشار قوی (میدان سنگلج) و آتش‌نشانی (خیابان حافظ) و لابراتوار دکتر عبیدی و شرکاء (قلهک) و پرورشگاه شیر و خورشید سرخ (خیابان پهلوی راه شمیران) و سازمان نقشه برداری (راه مهرآباد) و ویلای مهندس گوهریان (طهران پارس) بیاندازند و بدانند که مهندس سیحون فقط آرامگاه ساز نیست و کتابخانه (کتابخانه مجلس شورای ملی که به اتمام رسیده است) و پارک (پارک سنگلج و پارک خیام در محل رسومات سابق) و سینما (آسیا) و بیمارستان (مریضخانه ویلا خیابان ویلا) و مدرسه (دبیرستان البرز در محوطه کالج) و کارخانه (کانادادرای جاده قدیم کرج و خرمشهر و کارخانه یخ سازی کورس در ری و کارخانه آردسازی مرشدی در مهرآباد) هم می‌سازد.

مهندس هوشنگ سیحون دارای شیوه کار کاملاً مشخصی است که غالباً تاثرات شدید معماری میراثی ایرانی در آن آشکار است. وی هم کارهای معتبر انجام داده است و هم معتقد است که معماری ایرانی میتواند اصیل و مدرن باشد بدین جهت پنداشتیم که باید عقیده‌اش را درباره بعضی از مایل مهم پرسید. و این است پرسش‌های ما و پاسخ‌های او.

فرخ غفاری

ف. غ. شك نیست که درسی سال اخیر نوعی هرج و مرج در معماری این کشور رخ داده است. هم مساکن و هم شهرها پیمان چهره غیر انسانی و نامطلوبی بخود گرفته می شود گفت که این نابسامانی چگونه بوجود آمد؟

م. س. بنظر من این هرج و مرج زائیده تحول بی مقدمه معماری ما است. تا چهل سال پیش ما یک روش قدیمی ساختمانی داشتیم و کما پیش با اصول کهن و دیرینه (مخصوصا در مورد مساکن و منازل) عمل میکردیم که بطور کلی عبارت بود از در نظر گرفتن جهت ساختمان و ایجاد بادگیر و حوضخانه و تناسب قسمتهای خالی (یعنی پنجره ها) با قسمتهای پر ساختمان (یعنی دیوارها) و قطر دیوارها و طرز بنای سقفها و ایوانها و سایه بانها و شکل باغچه و حیاط و انتخاب درختها و غیره. تمام این جزئیات بنا بر مطالعات مفصل و تجربیات چندین صدساله انجام میگرفت و معماران ما بجایی رسیده بودند که هدف خود، یعنی ایجاد زندگی راحت برای صاحب کار را تا مین می کردند. در گذشته موضوع ریبابی نیز در معماری ما منطقی بود. تناسب و رنگ مصالح که در نما و در داخل بنا بکار میرفت و هم آهنگی آنها با هم و جزئیات گچ بری یا آجر کاری و برجستگی ها و فرورفتگی ها و تطبیق آنها با نور طبیعی (مخصوصا در طهران که درخشندگی آفتاب کوچکترین برجستگی را نمایان میسازد) و بازی حجمهای هندسی و مخصوصا سادگی این اشکال تمام مسایلی بودند که معماران ما (حتی در خانه های کوچک) به آنها سخت توجه داشتند.

ولی از تاریخ ورود معماری مدرن بد بختانه ما خواستیم کور کورانه و بی توجه به سنن و اصول از معماری غربی تقلید کنیم و در نتیجه سبک خودمان را فراموش کردیم و روش اروپایی را هم (آنطوریکه از نظر کشور ما باید قابل قبول باشد) بکار نبردیم. به این دلیل معماری ما نه فرنگی است نه ایرانی.

ف. غ. این امریست که در بسیاری از امور زندگی ما صدق میکند باید دید مشکل بزرگ کار در کجا است؟

م. س. اشکال بزرگ کار اینست که مردم عادی (یعنی کسانی که اطلاعات فنی ساختمانی ندارند) وضع حاضر معماری را در این کشور درست قبول دارند و با این سهل طلبی به توسعه اغتشاش در معماری کمک میکنند اما وظیفه مهندس ساختمان این است که باین سهل طلبی تن در ندهد و با آن مبارزه کند و سعی کند که مردم را بسوی اصول صحیح و عالی معماری ایرانی هدایت کند.

ف. غ. لابد مقصود شما از مردم عادی مشتریانی هستند که چون پول میدهند مقداری از سلیقه مخصوص خودشان را هم بمعمار تحمیل می کنند؟

م. س. تقریبا همین است. بعضی از اوقات مشتریها اظهار نظرهای عجیب و غریبی می کنند و مثلا مهندس را سر ساختمان می که فلان جادیده اند مینمایند و میخواهند خانه شان

از روی آن بنا گردد، با از روی مجلات فرنگی نمونه‌هایی برگزیده‌اند (اعم از خواستهای جزئی و کلی) که می‌خواهند به معمار تحمیل کنند. البته اگر مشتری معلومی داشته باشد میشود با او نشست و بحث فنی کرد و قانعش کرد. اما همه مشتریها اینطور نیستند و چشمشان را دوخته‌اند بمجلات خارجی. و البته که تقلید چشم بسته از مجلات خارجی جواب احتیاجات واقعی مردم این مملکت را نمیدهد و این مشکل بزرگی است که معمار ایرانی در مقاسل آن قرار گرفته است. حالا هم دیر نشده و با وجود فشار مشتریها میتوان با قدری صرف وقت و کمی گفتگو سفارش دهنده را قانع کرد. خوشبختانه چون در این سالهای اخیر آزمايشهای متعدد و مستقیمی در تقلید از معماری غربی در مملکت ما شده است، میتوان به آسانی نتایج تلخ این تجربیات را نشان همه داد. مخصوصاً که سروصدای گروهی از مشتریان این سبک تقلیدی هم بلند شده است و آثار نامطلوب آن باعث نارضایتی عده بیشتری شده.

ف. غ. اگر از مشتریهای خصوصی که معمولاً سفارش دهنده مساکن و منازل هستند بگذریم روابط معماری با دولت (این سفارش دهنده عمده) چطور است؟

م. س. تا آنجا بیکه من اطلاع دارم دولت هنگام سفارش دادن از نظر اصول دخالتی در کار مهندس نمیکند. مثلاً بر نامه ساختمان يك وزارتخانه را در اختیار معمار میگذارد و او بسلیقه خودش بکار میپردازد چون آزادی بیشتری در انتخاب عوامل و جزئیات دارد. اما بدبختانه کسانی که سفارشهای دولتی را انجام داده‌اند اغلب کسانی هستند که در مدت تحصیلات خود در اروپا و آمریکا نفوذ شدید معماری غربی را پذیرفته‌اند و فکر کرده‌اند که این شیوه را عیناً باید در ایران بکار برد. نه توجهی به شرایط جغرافیایی این کشور دارند و نه ارزشی برای معماری ایرانی و سنن آن قایل هستند. همینطور درباره مساکن انفرادی نیز این نوع معماران فرنگ رفته زندگی فردای ایرانی امروز را در يك چهارچوب اروپایی یا آمریکایی جاداده‌اند. باین دلیل معماری جدید ایران بسوی تقلید صرف از ساختمانهای فرنگی رفت و خصوصیات ابنیه و مساکن ایران در گذشته به یکباره فراموش شد. پس با وجود آزادی که دولت به مهندسان برای انتخاب عوامل و طرحها میدهد، معماران ما آگاهانه از کار ایرانی دور شده‌اند.

ف. غ. پس معماری مدرن ایرانی چگونه باید باشد؟

م. س. البته اشتباه نباید کرد که معماری ایرانی صرفاً در ساختن قوسهای شکسته و کاشی کاری و گنبد و طاق و این نوع کارها نیست. در معماری آنچه مهم است روحیه آن است و برای ما نیز درك روحیه و شخصیت معماری اصیل ایرانی اهمیت دارد و نه طاق شکسته یا قوس و عوامل دیگر که مربوط به فن (تکنیک) معماری هستند. این عوامل (مانند کاشی و گنبد و آجر کاری و درهای ارسی و مشبكها و غیره) عوامل اجرا کننده یا توجیه کننده معماری هستند و نه روحیه آن. باید امروز يك سبک مشخص ایرانی بوجود بیاید. بناهای هخامنشی و ساسانی و صفوی بهم شباهتی ندارند ولی هر سه ایرانی هستند و در هر سه دوره شاهکارهای فراموش نشدنی بوجود آمده که تا امروز طرف تحسین مردم جهان است. چرا نباید امروز هم در معماری مدرن ایرانی شاهکار بوجود بیاید؟ ما بایستی اکنون از وسایل نوین (مانند آهن و بتون مسلح و بتون پیش فشرده و غیره) برای ایجاد معماری ایرانی یعنی ساختمانهای بیکه با شرایط محلی تطبیق میکنند استفاده کنیم.

ف.غ. البته این روش معماری صحیح را باید در مدارس عالی تعلیم گرفت چون خود شما خوشبختانه اکنون رئیس دانشکده هنرهای زیبا هستید ممکن است بفرمائید که چه فکری باید بشود که پس از پایان دوره دانشکده شاگردان عملاً کار پیدا کنند و دیگر سد امتیازات و انحصارها از پیش پای فارغ التحصیل‌های دانشکده برداشته شود؟

م.س. پیشرفت در دنیاى هنر امر و زبر مبنای رقابت و همکاری درست است. هر کسی سعی میکند که کارش از دیگران بهتر و موفق تر باشد. در معماری نیز این اصل مسلم است. هنگامی سطح معماری مملکت ما پیش خواهد رفت که برای انجام کارها مهندس‌های متعددی وجود داشته باشند و رقابت و همکاری صحیح بوجود بیاید. بدین نظر ما سعی خواهیم کرد که اولیای امور را و ادار کنیم که معماری را از انحصار عده معدود در بیاورند یعنی به يك مهندس (هر قدر هم که مسن و با تجربه باشد) بیشتر از حدیکه در توان اوست سفارش داده نشود و در عوض به جوانان هم به اندازه استعداد خودشان کار داده شود تا بتوانند با تجربه داران و بزرگان روی اصول درست رقابت کنند. برای عملی ساختن این فکر باید مرجعی ایجاد کرد که محصل را پس از اتمام دوره دانشکده همراهی کند و کار برایش تهیه کند. چنین روشی پس از ده یا پانزده سال نتیجه مطلوبی خواهد بخشید.

ف.غ. آیا خیال دارید که در برنامه دانشکده هم تغییراتی بدهید؟

م.س. در نظر داریم که برنامه فعلی دانشکده را تا آنجا که ممکن است توسعه بدهیم و حتی المقدور سعی خواهیم کرد که این برنامه با برنامه مدارس مهم معماری دنیا تطبیق کند. از این گذشته خواهیم کوشید تا آنچه انجام میگیرد موافق باشد با سنن ملی و واقعیت‌های جغرافیایی خودمان.

ف.غ. شما از استادان نادری بودید که از کار دفتر خود دست میکشیدید و سالی چند مسافرت تحقیقی با شاگردانتان به مناطق مختلف ایران میکردید تا جوانان را از نزدیک متوجه معماری اصیل ایرانی سازید. آیا چنین کار سودمندی ادامه خواهد داشت؟

م.س. البته حتی قصد داریم برنامه‌هایی تنظیم کنیم که بیشتر از سابق درباره معماری قدیمی ما مطالعه شود. این معماری محدود به آثار و بناهای اصفهان و تخت جمشید و دوشهر معروف دیگر نیست. معماری ایرانی هنوز خوشبختانه در سراسر مملکت دست نخورده مانده گاه دردهات پانصد نفری هم اما مزاده‌ای یا آب انباری یا قلعه‌ای روستایی موجود است که يك واحد ساختمانی جالب و درخور مطالعه است. دانشجویان باید در این سفرها با وسایل مختلفی که در اختیار دارند جزییات ساختمانهای کهن کشور را دقیقاً مطالعه کنند و از نکات آن آگاهی یابند. این وسایل عبارت است از عکس و نقشه برداری و طرح و کروکی و اطلاعات مختصری درباره تاریخچه بنا و اهمیت آن از نظر هنر معماری. اما از نظر برنامه فنی دانشکده ما سعی خواهیم کرد که برنامه خودمان را با کارهای مدارس مهم دنیا مانند مدرسه (ام.آی.ئی.) آمریکا و مدارس هاروارد یا رم یا برلن یا اشتوتگارت که بعضی را خود هم دیده‌ام تطبیق دهیم. علاوه بر دو عمل فوق يك درس مخصوص برای یاد دادن مسایل مربوط به جغرافیای مملکت ایجاد خواهیم کرد چون برای هر معمار تحصیل کرده واجب است که بداند مثلاً در طهران تا بستانها تا چه حد

گرم وزمستانها تاچه حد سرداست و رطوبت کم است و میل آفتاب و شفافیت آن، آنچنان است که مثلاً در نماهای جنوبی بناها بجای ایوانها و نقابهای افقی سودمند نباید شیشه‌های سرتاسری و آفتاب‌گیرهای عمودی بی‌مصرف بکاربرد.

ف. غ. از نظر شهرسازی چطور؟

م. س. موضوع شهرسازی تاکنون دردانشکده مورد توجه واقع نشده بود و در باره آن نه اطلاعی داده میشد و نه عملی انجام میگرفت. بهمین دلیل سعی خواهد شد که یک درس شهرسازی هم ایجاد بشود. شهرسازی شاید یکی از مهمترین مسایل روز باشد. میدانید که اصولاً همیشه طرح شهر اول ریخته میشود و سپس به ساختن مساکن میپردازند.

ف. غ. شنیده‌ام شما عضو شورای عالی فنی شهرداری طهران هم هستید؛ اگر اینطور است ممکن است بفرمایید که آیا در ایران قوانین جدی برای اجرای طرح‌های شهرسازی موجود هست یا نه؟

م. س. ما در ایران تا امروزه شهرسازی داشتیم و نه قانون مربوط به آن. شهرسازی ما عبارت بود از اینکه فلان مالک یا فلان تاجر قطعه زمین نسبتاً بزرگی را در نقطه‌ای دور یا نزدیک به شهری می‌خرید و میخواست از این قطعه یک استفاده تجارتي بکند، بدین منظور زمین نه روی اصول شهرسازی بلکه بصلاحيه و صرفه صاحبش تقسیم میشد و خیابان بندی میگردید و احیاناً برقی کشیده میشد و چند ساختمان نیز بالا میرفت، مشتری هم می‌آمد و قطعات را می‌خرید و مسکن می‌ساخت پس از اینکه دو یا سه سال گذشت و این مجموعه کمابیش کامل شد تازه سروکله شهرداری پیدا میشود و میخواهد اراضی اطراف این منطقه را آباد کند. در این صورت شهرداری است که ناچار طرح‌ها و نقشه‌های خود را با وضع موجود تطبیق میدهد و نه برعکس. البته این را دیگر شهرسازی نمیتوان گفت. شهرسازی واقعی یعنی اینکه یک دستگاه فنی مجهزی بیايد و نقشه شهر را برای منطقه معینی بریزد و افراد غنی یا فقیر را وادار کند که مقررات عمومی را که در صلاح کلیه مردم است مراعات کنند و تبعیضی هم قایل نشود تا شهری تکمیل شده تحویل جامعه بدهد.

ف. غ. شما موافق هستید که برای حفظ آثار هنری در ایران شهرهای جدید در جوار شهرهای قدیم ساخته شود و با اینکه نظر دیگری دارید؛ چون حتماً اطلاع دارید که با این نهضت ساختمانی و تجدید بنا که در همه مملکت دیده میشود و عریض و طویل کردن خیابانها خیلی از عمارات قدیم در محل خطرند.

م. س. اغلب شهرهای ایران خوشبختانه دارای بناهای تاریخی جالبی هستند که هم از نظر هنری و هم از نظر جهانگردی خیلی مهم است متأسفانه در چند سال اخیر در بیشتر شهرها آثار معماری جدید مثل قارچ، ناگهان و بی‌حساب پنخواست چند نفر از مسؤولان محلی روپیده شده است که بکلی روحیه هنری خالص شهر را از بین برده و مناظر را بشکل نامطلوب و بدقواره‌ای در آورده است. البته منکر این نمیتوان شد که شهر باید وسعت یابد و ترقی کند ولی راه این نیست که

ساختمان قدیمی را خراب کنند یا ضایع نمایند و جایش ساختمانهای جدید بصورت های زشت بسازند. راه صحیح اینست که کلیه عوامل قدیمی خوب را مرمت کنند و ونگهدارند و اگر میخواهند درجوارش کاری انجام بدهند باید بنای جدید روی اسلوب صحیح باشد که با عوامل ساختمانی قدیم جور در بیاید و يك هم آهنگی واقعی در کار قدیم وجود داشته باشد. بدینشکل آثار عالی کهنه ارزش خود را از دست نمیدهند و بناهای مدرن نیز در کنار آنها جلوه میکنند. ساختمانهای جدید که درجوار بناهای قدیمی بنا میشوند نباید با اصطلاح يك مسابقه زشتی و زیبایی بوجود بیاورند و با هم سرچنگ داشته باشند.

ف. غ. تنها این نیست بنظر من موضوع بی ریخت کردن آثار هنری قدیم با ساختمانهای بدقواره جدید از نظر هنری مساله بسیار مهمی است که همه جای دنیا مطرح است و بایستی در ایران هم مانند ممالک مترقی جهان قانونی باشد که نتوان دورنمای بناهای تاریخی را با بناهای تازه خراب کرد. از این گونه اعمال ناشایست در این سنوات، اخیر هم در اصفهان (چهارباغ) هم در بوشهر (خانههای کنار دریا) هم در در شیراز (خلوت و ارك کریم خانی) و هم در طهران (ارك) و دهها شهر دیگر انجام گرفت که اگر با شتاب جلوی آن را نگیریم دیگر آثار هنری در ایران نماند و بالطبع پای جهانگردان هم از این مملکت بریده خواهد شد.

م. س. کاملاً صحیح است و اما راجع بسؤال قبلی شما باید بگویم که اگر بخواهیم شهرهای قدیم را بصورت سابق نگهداریم و درجوار آنها شهرهای جدیدی بسازیم این کار راه حل خوبی نیست. مردم را نمی شود مجبور کرد که يك شهر را رها کنند و بروند در شهر دیگری در کنار آن زندگی کنند. این عمل در شان يك شهر ساز و يك معمار واقعی نیست. مردم در شهر خود سنی دارند. یادگارهایی دارند. به سوابق تاریخی و زندگی گذشته خود علاقمند هستند. بدین نظر باید این سنن و بستگی هادر همان شهر قدیم حفظ بشود و در عین حال مقداری بنای تازه ساخته بشود تا هم بناهای گذشته ارزش خود را داشته باشد و هم کارهای نو مؤید لطف و زیبایی يك شهر باستانی بشود.

ف. غ. چندین سال است که گروهی میگویند آن مقدار مصالح ساختمانی که در ایران موجود است برای بناهای جدید خوب نیست و ما احتیاج به وارد کردن مصالح از خارجه داریم. عقیده شما در این باره چیست؟

م. س. من خیال میکنم که این يك ادعای پوچ و بی معنی است. معمار خوب آن است که با آنچه در اختیار دارد بتواند کار عالی انجام بدهد. در یکی از مسافرتها ی تحقیقی که میکردیم در شهر کاشان به خانه ای قدیمی برخوردیم که در حدود صد سال پیش ساخته شده است و معروف است به خانه بروجردی. مرکز اصلی این ساختمان تالاری است گنبددار. وقتی ما گنبد را مطالعه میکردیم دیدیم که صد درصد از گل ساخته شده است یعنی با ابتدایی ترین مصالح. ولی در عین حال بقدری این گنبد (که در آن نه برنز و نه فلز و نه سنگ مرمر بکار رفته) با مهارت و زیبایی و تناسب و ارزش هنری ساخته شده است که انسان را خود بخود وادار به تحسین از معمار میکند

که توانسته بامصالح بسیار ساده آنچنان عظمت و لطف را بوجود بیاورد. بنظر من مصالح موجود در ایران برای معماری جدید کاملاً کافی است و ما معماران وظیفه داریم که از آنچه در اختیار داریم (آجر و سیمان و سنگ و آهن) به بهترین وجهی در کارمان استفاده کنیم. بجای کارهای لوکس و گران بیایم عملی انجام بدهیم که ارزش واقعی مصالح محفوظ بماند ولی اگر قرار باشد که اساس معماری ما درست نباشد در آن صورت بکار بردن سنگها و فلزهای گران قیمت ارزشی بکارمان نمیدهد.

من فکر میکنم که ما نه امروز و نه در آینده احتیاجی به مصالح خارجی نداریم و معمارانکس است که با گل خام هم بتواند يك کار هنری با ارزش بوجود بیاورد.

ف. غ. نظر شما درباره طرز کار کارگران ایرانی چیست؟ آخر میدانید عده ای از معماران نه تنها به وارد کردن مصالح اکتفا نمی کنند بلکه مدعی هستند که باید کارگر ساختمانی را هم از خارجه بیاوریم.

م. س. امروز معماری بین المللی روی اصول فنی ماسینری و عوامل از پیش ساخته قرار گرفته است که این عوامل را بعداً می آورند و روی کار با پیچ و مهره وصل میکنند. اما در ایران کار دستی هنوز اهمیت فوق العاده دارد. گذشته از اینکه مزد کارگر ارزان است بخصوص در مورد آنچه مربوط به سنن قدیمی معماری است نقش کارگر ایرانی جانشین ناپذیر است. با وجودیکه مادر دوره تحول به سوی ماسین هستیم کارهای دستی بشدت ادامه دارد و ما هم بایستی از این وضع موجود استفاده کنیم. مثلاً بناهای یزد که در طاق زدن مشهور هستند بدون بستن قالب و با نظر خودشان طاق آجری میزنند و این عمل برای اهل فن (مخصوصاً اروپایی ها) باعث تعجب و تحسین است. اگر همین طاق را بخواهند در اروپا بسازند با داشتن مهندس و کارگر متخصص مبالغی هم باید خرج کنند تا اول قالب آنرا تهیه کنند، تازه باید ریسمان کشید، خط کشید و هزار کار دیگر کرد تا طاق بپا شود. در ایران کارگر ساختمانی هنوز فن قدیمی خود را حفظ کرده است و ما چون هنوز در معماری خودمان ماسین را توسعه نداده ایم باید از این سوابق عملی و هنری در کارهای جدید استفاده کنیم. باین ترتیب هم سنن معماری ما حفظ شده است و هم در عین حالیکه کارمدرن انجام میدهم امور و عوامل قدیمی نیز با کارهای دستی عیناً بکار می آید.

ف. غ. از تجربیات خودتان چه مطلب تازه ای می توانید بگویید؟

م. س. همانکه قبلاً گفتم، ما به همان ترتیبی که خارجی ها کار میکنند، نمیتوانیم عمل کنیم. مثلاً در این سنوات اخیر درباره اسکلت های فلزی تجربیات بی شماری در ایران شد و به این نتیجه رسیدیم که اسکلت فلزی را بوضع اروپایی نمیتوانیم بکار بریم. آنها دستگاه های خاصی دارند که در اختیار ما نیست. در عوض کار دست برای ما اهمیت واقعی دارد. من عقیده دارم که در هر کار هنری (معماری، نقاشی، حجاری) باید نشانه دست انسان دیده شود. هر کسی میتواند فرق میان يك بطری ماسینی را با يك شیشه ساخته شده در شیشه گر خانه ببیند. آنجا ساختمان با ارزشی بوجود می آید که دست بشر روی آن تأثیر گذاشته است و حتی اگر هم عاملی قدری کچ در بیاید مهم

نیست. ما در ایران باید حالت هنری خاص خود را نمایان بسازیم و من شخصاً در بناهای خود سعی کرده‌ام که از کاردستی خیلی استفاده کنم.

ف. غ. مگر سبک کار بناهای عمومی اخیر شما چه بوده؟

م. س. مثلاً برای مقبره کمال‌الملک در نیشابور از بناهای هم‌زمان نقاش در کاشان موطن او الهام گرفتم و قوس‌های رومی را پهلوی یکدیگر قرار دادم. برای آرامگاه خیام در همان شهر نیشابور چند عامل را در نظر گرفتم: یکی میل خود شاعر که گفته است قبرش پوشیده نباشد تا در فصل بهار شکوفه گل روی آن بریزد. دیگر زمان زندگی خیام که دوره سلجوقی بود. سوم اینکه خیام شاعری بود ظریف و عظیم، چهارم اینکه خیام شهرت فوق‌العاده‌ای در ریاضیات و نجوم داشت. با در نظر گرفتن این مطالب من بنایی ساختم کشیده و بلند و باز از بالا و از هر طرف با گنبدی الهام گرفته از گنبد سلجوقی و برجی مرکب از ده لوزی که در بالا با هم بشکلی تلفیق میشوند و گنبد سلجوقی را بشکل نیم‌رخ ایجاد میکنند. وسط این لوزی‌ها باز است. از پایه تا گنبد عوامل و اشکال ریاضی در بنادیده میشود. پشت برج هفت‌چشمه موجود است که روی اصول ریاضی ساخته شده است که مشتقاتی از شکل اصلی مثلث را تشکیل میدهد.

اما بنایی که خودم ارزش و اهمیت بیشتری برایش قایل هستم ساختمان آرامگاه نادر در مشهد است که در آن تکنیک سنگ بوجه بسیار خوبی بکار رفته است. این بنا کاملاً مدرن است و حتی جزو نوترین ساختمانهای ایران قرار گرفته است اما در عین حال پایه‌گذاری آن روی مسجد قدیمی تاریخانه دامغان بوده است که شبستانی دارد با پایه‌های تطور کم ارتفاع و خوابیده و طاق‌هایی نزدیک به طاق‌های ساسانی، در آرامگاه نادر همین شبستان را تقریباً ایجاد کردم با اصول مدرن و طاق‌های ساسانی را به شکل طاقی که یک خیز کوتاه دارد در آوردم و با سنگ ایرانی در حقیقت روحیه ملی را در فکر جدیدی برگرداندم.

مصاحبه با لاپیش از زلزله مخرب شهریور ۱۳۴۱ تهیه شده بود.  
و چون انتشار «کیهان ماه» به مشکلاتی برخورد که ذکرش ناکردن اولی-  
ازین فرصت اجباری، من که جلال آل احمدم، استفاده کردم و باز سراغ  
مهندس سیحون رفتم. در دفتر دانشکده هنرهای زیبا بعثت آشنایی‌هایی  
که از سالها پیش با آن حوالی داشتم میخواستم برخی نکات را دست‌کم  
برای خودم روشن کنم.



مهندس سیحون نخست گزارشی را که دکتر مهندس غلامرضا کورس از نقاط زلزله زده فراهم کرده بود در اختیارم گذاشت. مهندس کورس درین گزارش (که تکه‌هایی از آن در آخر همین سطور خواهد آمد) ازین نظر دفاع کرده است که از نقاط زلزله زده بجای خانه‌های خراب شده باید ساختمانهای چوبی گذاشت. این بود که از مهندس سیحون پرسیدم:

ج. آ - گمان نمی‌کنید خانه چوبی ساختن برای دهات تفننی بیش

نباشد؟

م. س - چرا؟

ج. آ - برای اینکه من در محل بوده‌ام و آنجاها را می‌شناسم\* - حتی دو تا از خواهرزاده‌هایم با بچه‌هاشان شانس آورده‌اند که درین بلای عظمی زیر آوار نرفتند و سالم هستند - میدانم که در آن نواحی دوباد محلی هست یکی باد «راز» که گرم است و داغ - دیگر باد «میه» که عجیب سرد است و حتی در وسط تابستان وقتی بوزد، همه با طاقها پناه می‌برند. حتی بمقیده من اگر در این بلای عظمی عفونت لاشه‌های زیر آوار مانده، موجب بروی بیماری نشد باین علت بود که در روزهای بعد از زلزله باد «میه» می‌وزیده است. در آن شب هم حتماً باد «میه» بوده که همه مردم از زیر سقف آسمان تا بستان بزرگ‌سقف‌های سنگین کاهگلی پناه برده بوده‌اند. غرض این دوباد در هر فصل وقتی بوزد درجه سرما و گرما را یک مرتبه بالا و پائین می‌برد. میان ۶ تا ۱۰ درجه خوب. خانه‌های چوبی آقای مهندس کورس با این تغییر عجیب درجه حرارت چگونه مردم را حفظ خواهد کرد؟ مگر اینکه خانه‌ها را همانطور که ایشان گفته‌اند در پوشه کنند و میان دو پوش را با مواد عایق از فرنگ آمده پر کنند و ازین تفنن‌ها که فقط بدرد روی کاغذ می‌خورد. دیوارها و سقف‌های آن دهات فقط باین علت ۱۲ هزار آدمی را بی‌جان کرد که سنگین و کلفت بود تا در مقابل چنین تغییرات ناگهانی هوا مقاومت کند.

م. س - درست است، بهمین مناسبت ما پیش‌بینی‌های لازم را کرده‌ایم. طرح‌های مختلف برای تجدید بنای دهات زلزله زده ریخته‌ام. - و صدا کرد و جوانهای دانشکده هنرهای زیبا هم آمدند و دفتر طرح‌ها را گشودند که از میان سی‌چهل طرح یکی را انتخاب کردیم. طرحی که آقای مهندس صانعی - استاد کرسی ساختمان - تهیه کرده. درین طرح، خانه‌ها در بلوک‌های چهارتایی است و ساختمان‌شان مقرون بصره است و با مصالح محلی هم میشود ساخت و مهمتر از همه اینکه هر دیواری با زاویه قائمه دیوار دیگر را قطع می‌کند و ناچار در مقابل زلزله‌های احتمالی مقاومت دارد. بعد پرسیدم:

\* مراجعه فرمایید به «تات نشین‌های بلوک زهرا» از انتشارات کتابخانه دانش.

ج. آ- میدانید که زندگی دهاتی بی توجه به سمت «قبله» نمی گذرد؟

م. س- میدانم. می شود یکی از دو آکس ساختمان را روی خط قبله گذاشت و چون در فصل های مختلف آفتاب می گردد هر چهارخانه به تناوب از آفتاب هم استفاده می کنند.

ج. آ- خوب. این از خانه ها. برای آغل ها چه فکر کرده اید؟  
م. س- گفتیم فعلا جان آدمهارا نجات بایدداد تا بعد بفکر چهارپایان باشیم.

ج. آ- فکر نمی کنید اگر آغل ها را هم در بلوک های چهارتایی یا ده تایی یا اصلا بصورت یک آغل اشتراکی برای تمام اهل ده بسازیم بهتر باشد؟  
م. س- گمان نمی کنم اهل ده رضایت بدهند. آنوقت هر شب دعوا خواهند داشت.

ج. آ- من قول میدهم که هیچکس مخالف نکند. اهالی ده هر کدام چهارپایای خودشان را با اسم و رسم می شناسند. علاوه بر نشانه هایی که هر کدام بهشان میگذارند. یک آغل اشتراکی اولین قدم هم هست برای دیگر کارهای دسته جمعی که در دهات ما جایش حسابی خالی است.

م. س- بهر صورت هنوز که طرحی نریخته ایم. گمان می کنم اگر قرار شد طرحی برای آغل ها بریزیم باید باین نکته هم توجه کرد.  
و اینجامصاحبه ای که در اصل، فرخ غفاری با مهندس سیحون شروع کرده بود و نباله اش را - من راقم - گرفتم تمام شد.  
اکنون چند نکته از گزارش مهندس کورس:

«... دیوار منازل کشاورزان با گل و خشت و در کمتر از نقاط با آجر ساخته شده و سقفهای آنها بطور کلی از تیرهای چوبی تشکیل می گردد که ما کزیمم بار زیاد روی دیوارها قرار گرفته و روی آن مقداری شاخ و برگ و یا حصیر پهن کرده اند و طبقه خارجی سقف مرکب از یک قشر نسبتاً قطور از خاک رس میباشد که با یک یا چند طبقه کاهگل در مقابل بارندگی غیر قابل نفوذ شده است. این قشر پس از اشباع شدن از نفوذ آب بداخل ساختمان جلوگیری مینماید. درها و پنجره ها بسیار ساده و معمولاً با وسایلی که در ده موجود است ساخته میشود. این ساختمانها در اثر سنگینی بارها و سستی دیوارها و عدم اتصال محکم بین سقف و دیوار در مقابل حرکات افقی زلزله دارای استحکام لازم نمی باشند. و بهیچوجه مناسب برای مناطق زلزله خیز نیست و اکنون که در بسیاری از دهات این ساختمانها فروریخته است و تجربه بما ثابت نموده است که این مناطق در معرض خطر زلزله قرار گرفته اند و این نوع ساختمانها در این نواحی قابل توصیه نیست بایند از فرصتی که ازین وقایع شوم بوجود آمده استفاده کرد و ساختمانهایی بنا نمود که در مقابل زلزله دارای استحکام کافی باشد...»

«... باید برای این کشاورزان خانه‌هایی با اعتبارات طولی‌المدت ساخت و هما‌نطور که بهای زمینهای واگذاری‌شده را بمدت طولانی‌مسترد میدارند قیمت خانه‌ها را نیز پس از مدت طولی به‌مرور و طی اقساط سالانه بپردازند... در سال اول لازم خواهد بود کشاورزان را از پرداخت هر گونه قسطی معاف کرد...»

«... این گزارش‌کنجایش آن را ندارد که نسبت به سیستمهای مختلفی که در مقابل زلزله دارای استحکام لازم و کافی هستند مشروحاً صحبت شود. ولی آنچه مسلم است باید از انترین سیستم ساختمانی را که نیز با سرعت وقت قابل‌اجراء باشد انتخاب نمود...»

«... چون ساختمانها در محوطه جدید بنا خواهد شد از لحاظ خیا بان بندی و اصول ده‌سازی میتوان نکات لازم را مراعات نمود. مثلاً با تعبیه یک رشته لوله برای آب و یک منبع آب میتوان احتیاجات آب‌مشروب و شستشوی دهات را با هزینه بسیار کم تأمین کرد. هما‌نطور که در بالا ذکر شد ساختمان حمام نیز باید توجه کرد و بنای سایر ساختمانهای عمومی را بحد اقل ممکن تقلیل داد و در طرح پیش‌بینی نمود...»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



... ابن خلیفان در ترجمه احمد بن یوسف منازی آورده است که وی نزد ابوالعلاء رفت و ابوالعلاء شکایت میکرد که مردمان مرا آزار می‌کنند.

احمد گفت: آنان را با توجه کار که دنیا را بدیشان وا گذاشته‌ای، ابوالعلاء گفت: و آخرت را نیز.

از: لغتنامهٔ دهخدا